دو فصل‌نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س۶ ش۱۲ پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صفحات ۴۱ – ۷۴

Bi-Quarterly specialized-scholarly journal Of Quranic Studies Light of Revelation Vol. ٦, No. ١٢, autumn and winter ٢٠٢٢ P ٤١ - ٧٤

رسالت انقلاب اسلامی در زمینه سازی ظهور از منظر قرآن

زهرا مهر علی نسب*

چکیده

اسلام دینی جهانی است و زمان غلبه آن بر سایر ادیان در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) است. اگرچه تحقق این امر به دست آن حضرت است ولی این امر نیاز به زمینه - سازی دارد. انقلاب اسلامی به عنوان حکومت زمینه ساز ظهور حضرت در تحقق این هدف، رسالت‌هایی را بر عهده دارد از جمله این رسالت‌ها آماده‌سازی جامعه‌ای مؤمن و قوی است. خدای سبحان درآیات پایانی سوره فتح راه به وجود آمدن چنین جامعه‌ای را نشان داده است. مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم آرمان انقلاب را، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا الفداه) می‌داند و علاوه بر آن در سخنرانی‌های مختلف به این رسالت اشاره کرده‌اند. این مقاله به هدف اثبات چنین ادعایی به روش توصیفی و تحلیلی نگارش یافته است و نتایج حاصل از آن عبارتند از: جامعه‌ی زمینه‌ساز ظهور

*. طلبه سطح ۴ «گرایش تفسیر تطبیقی» مرکز تخصصی حوزوی رکن الهدی کرمان: zm۱۳۵۹۱۱@yahoo.com

نیروهای نفوذناپذیر و مؤمنی را می‌خواهد که باید چهار مرحله را طی نمایند: افشاندن بذر اعتقادات، تقویت یکدیگر، قوی شدن و روی پای خود ایستادن.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب، زمینه‌سازی ظهور، سوره‌ی فتح.

مقدمه

خدای سبحان در جهت هدایت بشر در هر برهه‌ای از زمان رسولانی را فرستاد و آخرین رسول، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) است. در سه آیه از قرآن وعده پیروزی اسلام بر سایر ادیان داده شده‌است که این سوره‌ها بر اساس ترتیب نزول سوره-های صف، فتح و توبه هستند. گویی خدا می‌خواسته در آخرین کلمات وحی خود تأکید کند که آینده نهایی و غلبه اصلی بر ادیان از دین اسلام است. ولی زمان این غلبه را در آیه مشخص نکرده‌است. بر اساس روایات تحقق این امر در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است.

اما این غبله یک مرتبه و با امور خارق العاده نیست و نیازمند زمینه‌سازی است. از مهمترین بسترهای زمینه‌سازی برای ظهور، تشکیل حکومت اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران حکومتی است که به گفته رهبران آن در تحقق چنین مسیری گام برداشته-است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را آمادگی برای ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) می‌داند. از مهمترین محورهای بیانیه گام دوم انقلاب توجه به آینده و آینده پژوهشی است که مقام معظم رهبری ضمن درخواست داشتن نگاه خوشبینانه به آینده، زمینه‌های رسیدن به آینده‌ای روشن را ترسیم می‌نمایند.

بایک نگاه عمیق به بیانیه گام دوم معلوم می‌شود که بیانات ایشان ریشه قرآنی دارد و در پرتو آیات قران و آگاهی به شرایط جامعه بیانیه صادر شده‌است؛ اما این سوال پیش

می‌آید باالهام گیری از آیات قرآن چگونه می‌توان در مسیر زمینه سازی ظهور گام برداشت و یکی از فرامین رهبری را در بیانیه گام دوم را اجرا کرد.

از جمله آیاتی که می‌تواند در این این زمینه راهنمای تمام جوامع زمینه ساز ظهور باشد، آیات پایانی سوره فتح است. در آیه ۲۸ این سوره نوید غلبه دین اسلام بر سایر ادیان داده شده است و آیه ۲۹ با ترسیم جامعه‌ی رسول الله، در قالب یک مثال، راه را نشان داده است. این مطلب از بیانات رهبر انقلاب پیرامون این آیات به خوبی نمایان است.

اهمیت این مطلب آنجاست که بدانیم جامعه‌اسلامی را که قرآن در این آیه معرفی می-کند، در ابتدای ظهور اسلام افرادی بی‌فرهنگ، گنکهار و رذل بودند که در اثر رویش بذر ایمان در دل‌های آنان و تحت ولایت پیامبر تبدیل به کسانی شدند که خداوند در باره آنان می‌فرماید: «**أَشِدّاءُ عَلَى الْكُفّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ تَراهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللّهِ وَ رِضْواناً سيماهُمْ فى وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُود**»

انقلاب اسلامی ایران هم به فرموده مقام معظم رهبری ار صفر شروع شد. انقلابی بود که در رژیمی فاسد و عقب افتاده از فرهنگ، معنویت و دور از علم و فناوری ظهور پیدا کردو در پرتو آیات الهی به سمت قله‌ی کمال قدم برداشته و می‌تواند بقیه مسیر را هم طی نماید و انقلاب را به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) متصل نماید. اما این امر مهم نیاز به الگو و مدل کارآمد دارد و این مدل را قرآن در آیه پایانی سوره فتح بیان کرده است.

از این رو در این تحقیق سعی شده است به روش توصیفی و تحلیلی و با کمک جمع آوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانهای دیجیتالی و فیزیکی به این سوال پاسخ دهد

که انقلاب اسلامی ایران چگونه می‌تواند برای زمینه سازی ظهور قدم بردارد و چه مراحلی را باید طی کند؟ برای رسیدن به این هدف، ابتدا به بررسی فضای نزول سوره-ی فتح و ضرورت تشکیل حکومت برای زمینه سازی و سپس با بیان ویژگی‌های امت اسلام به نحوه پرورش و آماده سازی ظهور با الهام گیری از آیه ۲۹ سوره فتح پرداخته-است.

پیشینه

در ارتباط با مسئله مهدویت و زمینه‌سازی ظهور صدها اثر علمی نوشته‌شده‌است. اما آنجه که بیشترین ارتباط را با بحث انقلاب اسلامی ایران و زمینه سازی ظهور دارند عبارتنداز: ۱-کتب: «بشارت ظهور؛ بحثی پیرامون زمینه‌سازان ایرانی انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)» انتشارات سلسبیل، سال ۱۳۸۰؛ «انقلاب اسلامی و رشد مهدویت» اثر غلامرضا پرهیزکار ۱۳۸۳؛ «انقلاب اسلامی و مهدویت» از انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت موعودسال ۱۳۸۹.

۲- پایان نامه ها: «بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با تأکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی» از رضا شجاعی مهرسال ۱۳۸۸؛ «نقش آموزه مهدویت در انقلاب اسلامی ایران» از غلامرضا بهروزی لک سال ۱۳۸۹.

۳- مقالات: یک)«ظرفیت انقلاب اسلامی در راستای زمینه سازی ظهور» از نفسیه فاضلی سال ۱۳۸۸؛ در این مقاله بر دو اصل اساسی فطرت و فلسفه تاریخ اسلامی و شعیعی به عنوان دو ظرفیت انقلاب اسلامی در زمینه سازی ظهور تاکید کرده است. دو)«آرمان شهر مهدوی حاصل پیوند الگوی اسلامی پیشرفت و تعلیم وتربیت» از مژده مقدم و زهره رئوفی نژاد سال ۱۳۹۵ در؛ در این مقاله به ماردی پرداخته شده است که برای زمینه سازی ظهور مؤثرند از جمله: آرمان مهدویت، جهاد فرهنگی، انتظار محوری

در سبک زندگی اسلامی، عدالت گستری در تربیت انسان های سالم. سه)«مهدویت کلان آرمان انقلاب اسلامی والزامات فرهنگی آن در اندیشه‌ی امام خامنه‌ای» از حسن ملایی سال ۱۳۹۸؛ دراین مقاله هم الزامات فرهنگی برای زمینه سازی ظهور از دید مقام معظم رهبری مورد تحقیق قرار گرفته است. چهار «تاثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت» از محمد مهدوی و صفیه جعفر پور سال ۱۳۹۸، در این مقاله هم به آماده سازی در دو حوزه فردی و اجتماعی و خودباوری و تصمیم به زمینه سازی ظهور به عنوان عناصر مهم زمینه سازی ظهور پرداخته شده است.

از مطالعه آثار تحقیقی به دست آمد، اگرچه در زمینه‌سازی ظهور و نیز آیات ناظر به زمینه‌سازی ظهور تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته است ولی در رابطه با زمینه‌سازی ظهور در پرتو آیات پایانی سوره‌ی فتح تحقیقی صورت نگرفته است و محور اصلی پژوهشگران در آیات مهدوی در سوره فتح، آیه ۲۸ بوده‌است و از آیه ۲۹ که زمینه-سازی ظهور را بیان می‌کند، غفلت داشته‌اند. بنابراین در این مقاله سعی در بیان مراحل آماده سازی ظهور در پرتو آیات پایانی سوره‌ی فتح است.

۱-مفهوم شناسی

۱-۱ انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی ترکیبی از دو واژه انقلاب و اسلامی است. انقلاب از ماده «قلب» به معنای برگردادن یک چیز از یک وجه به وجه دیگر است و انقلاب هم به انصراف معنی شده است (اصفهانی،۱۴۱۲: ۶۸۱) مصطفوی هم اصل این ماده را به معنای مطلق تحول در ماده و یا معنا، مکان و یا زمان، حالت یا صفت و یا موضوع می‌داند. (مصطفوی،۱۴۰۲: ۳۰۲/۹).

در اصطلاح انقلاب به صورت‌های مختلف تعریف شده است. شهید مطهری انقلاب را طغیان و عصیان مردم علیه نظم حاکم موجود می‌داند که ناشی از نارضایتی و خشم مردم و آرمان یک وضع مطلوب است. (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۹) در بیان شهید صدر هم انقلاب، جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معین است که با درک واقعیت‌های موجود به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد فردی، اجتماعی و سیاسی بر اساس معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است. (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۰)

به طور قطع مراد از انقلاب اسلامی هم تحولات عمیق و بنیادینی خواهد بود که بر اساس یک رابطه‌ی منطقی با دین در مرحله‌ی سیاست، فرهنگ و اقتصاد یک مملکت پدید می‌آید و آن را به یک برنامه‌ی اجرایی جهت اداره امور تبدیل خواهد نمود. گفته شده است: انقلاب اسلامی حالتی از یک جامعه است که چند ویژگی دارد:۱- در آن همه‌ی مسلمین یک منطقه بسیج می‌گردند تا اراده و تلاش ایشان غیر قابل انکار و شکست ناپذیر گردد. ۲-رهبری را بر می‌گزینند که پایبند اهداف اسلام باشد و به دنبال منافع یک قشر خاص نباشد.۳-نیروهایی که از این طریق آزاد می‌گردند قادر هستند جامعه را در همه‌ی سطوح داخلی بازسازی نمایند.۴-نظام اجتماعی اعتماد و پایداری لازم را جهت مواجهه با جهان خارج را بر اساس شرایط خود کسب می نمایند. (بهداروند، ۱۳۷۷: ۳/۱۵۸)

۱-۲ زمینه‌سازی: زمینه‌سازی در لغت به معنای به وجودآوردن مقدمات انجام‌دادن امری است. (انوری، ۱۳۸۱: ۳۸۷۷/۵) و در اصطلاح هم زمینه‌سازی ظهور آمادگی و مقدمه‌چینی برای ظهور است که از آن دو برداشت می‌توان داشت: ۱-مهیابودن و آمادگی برای ظهور، یعنی آمادگی برای ظهور از نظر معرفتی، اخلاقی، رفتاری و مهیابودن برای پذیرش امر معصوم است به گونه‌ای که اگر امام ظهور نماید از ناحیه افراد یا جامعه‌ی

زمینه‌ساز هیچ خطر یا کاستی برای حضرت وجود نداشته باشد.۲-آمادگی و ایجاد مقدمات ظهور، که بر این اساس زمینه‌سازی ضرورت تلاش در مسیری است که در تحقق ظهور تأثیر می‌گذارد و آن را سرعت می‌دهد و اهمال در آن سبب تأخیر در ظهور می‌شود. (آیتی، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۱)

۱- ۳ ظهور: در لغت دو معنا برای ظهور آورده‌شده‌است:۱-آشکار شدن یک چیز مخفی ۲-پیروزی و غلبه بر یک چیز و اطلاع‌پیدا کردن بر آن (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۷/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۲۶/۴-۵۲۷) در اصطلاح هم واژه ظهور در مباحث مهدویت به معنای ظاهر شدن حضرت مهدی بعد از پنهان‌زیستن طولانی برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است. (سلیمیان، ۱۳۸۹: ۲۹۹)

صدر نیز بعد از بیان معانی مختلف اصطلاحی برای این واژه می‌نویسد: دو معنا برای ظهور از دیدگاه امامیه پذیرفته شده است: ۱- آشکار شدن بعد از غیبت ۲-اعلان و قیام، چراکه واضح است امام عصر (علیه السلام) بزرگترین قیام کننده بر ضد ظلم و طغیان و اختلاف بر روی زمین است. (صدر، بی تا: ۱۹۵/۳)

۲-فضای نزول سوره فتح

سوره فتح جز آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نازل شده-است. این سوره پس از ماجرای حدیبیه در سال ششم هجرت نازل شده است. پیغمبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در سال ششم هجرت تصمیم گرفتند که به اتفاق مهاجرین و انصار و سایر مسلمانان به عنوان مراسم عمره به سوی مکه حرکت کنند و به مسلمانان اطلاع داده بودند که من در خواب دیدم همراه یارانم وارد مسجد الحرام شده‌ایم و مشغول مناسک عمره هستیم. مسلمانان در ذی الحلیفه نزدیک مدینه احرام بستند و به سمت مکه حرکت کردند. پیامبر (صلی الله علیه وآله) قصد جنگ نداشتند و

وقتی وارد سرزمین «حدیبیه» شدند. قریش ازاین موضوع با خبر شد و راه را بر پیغمبر (صلی الله علیه وآله) بست و از ورود او به مکه مانع شد. در اینجا ماجرایی پیش آمد که به عقد قرارداد صلح میان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و مشرکان مکه به نام صلح حدیبیه منتهی شد. با ممانعت قریش، ناچار پیامبر (صلی الله علیه وآله) به یارانش دستور دادند که شترهای خود را در همان جا قربانی کنند، سرهای خود را بتراشند و از احرام بیرون آیند و به سوی مدینه باز گردند.

در اینجا غم و اندوه مسلمانان را فرا گرفت و انبوهی از ناراحتیها و گاه تردید بر افراد ضعیف الایمان غالب شد. وقتی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) از حدیبیه به سوی مدینه می‌آمدند مرکبشان سنگین شد و از حرکت باز ایستادند، در همین حال چهره مبارکش غرق سرور و شادمانی گشت، فرمودند: هم اکنون آیات سوره فتح بر من نازل شد. (طبرسی،۱۳۷۲: ۱۶۶/۹–۱۶۷) از اینجا جو خاص حاکم بر این سوره کاملاً نمایان می‌شود. محورهای این سوره عبارتند از:

۱ نوید فتح و پیروزی در آیات آغازین و پایانی این سوره (آیات اول نوید پیروزی در صلح حدیبیه (طباطبایی،۱۴۱۷: ۲۵۲/۱۸) وآیات پایانی نوید پیروزی نهایی اسلام را بر سایر ادیان را می‌دهد.)

۲– حوادث مربوط به صلح حدیبیه و نزول سکینه و آرامش بر دلهای مؤمنان و نیز مساله بیعت رضوان (آیات ۴–۱۰)

۳– معرفی پیامبر و هدف والای او

۴– معرفی منافقان و بیان تقاضاهای نابجای آنان

۵– معرفی معذورین از جهاد

۶– بیان ویژگی‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یاران صدیق ایشان

با توجه به محورهای اصلی سوره، مسلمانان جهان اسلام بخصوص آنان که داعیه زمنیه سازی ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) را دارند، می‌توانند الگوگیری بسیار سودمندی را از حوادث این سوره در جهت بهبود جامعه اسلامی داشته باشند و در جهت اعتلای دین اسلام قدم‌های مؤثری بر دارند. از مهمترین آیات این سوره که بطور واضح وظایف مسلمانان را در عصر حاضر، مشخص می‌کند، آیات پایانی این سوره است. در سه آیه اخر، با تاکید الهی مبنی بر صادق بودن رؤیای پیامبر (صلی الله علیه وآله)، خدای سبحان خبر از پیروزی دین اسلام بر سایر ادیان را می‌دهد و با توجه به روایات اهلبیت (علیهم السلام)، تحقق این پیروزی در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) است. در آیه اخر که بلافاصله بعد از نوید پیروزی است. ویژگی‌های رسول و یاران ایشان بیان شده-است و این اشاره به این امر دارد که از مهمترین عوامل پیروزی اسلام وجود پیامبر و یاران ایشان با این ویژگی‌هاست.

۳-ارتباط آیات پایانی سوره فتح با مهدویت

برای بهره‌گیری از این آیات در جهت زمینه‌سازی ظهور، باید ابتدا ارتباط آیات را با بحث مهدویت مشخص کرد. خدای سبحان در آیه ۲۸ این سوره می‌فرماید: «**هُوَ الّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ کَفی بِاللّهِ شَهیدا**»

در این آیه از تعبیر رسول برای بیان این حقیقت استفاده شده‌است. در تعریف رسول و نبی آمده‌است: رسول کسی است که در انجام رسالت و مأموریت کمال نرمی و مدارا را بکار می‌گیرد (راغب اصفهانی،۱۴۱۲: ۳۵۲) و نبی با توجه به معنای لغوی ریشه‌ی آن که خبر مهم است (همان:۷۸۹) به معنای دارنده خبر مهم و یا گزارشگر آن است. خدای سبحان با این تعبیر می‌خواهد، غایت از رسالت و خاتمیت را که «**لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ**

کُلِّهِ» است رابیان نماید. در ادامه آیه، به دو ابزار مهم رسول در این مسیر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ». در باره «هدی» تفاسیر متعددی شده است، از جمله:

۱–حجت و دلیل واضح (طبرسی،۱۳۷۲: ۱۹۲/۹)

۲– هدایت الهی که همراه رسول بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۷/۹)

۳–قرآن (آلوسی،۱۴۱۵: ۲۷۵/۱۳)

با دقت در این سه تفسیر می‌توان به این نتیجه رسید که نظر اول بر بقیه برتری دارد. زیرا قران و هدایت پیامبرخود می‌توانند مصداقی از حجت و برهان باشند.

منظور از (دین حق) هم دین ثابت یعنی اسلام است. (طبرسی،۱۳۷۲: ۹/ ۱۹۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۷/۹؛ اصفهانی، ۱۳۶۱: ۲۲۷/۱۳) نکته دیگری که در این آیه باید مورد دقت قرار گیرد، مرجع ضمیر در عبارت «لیظهره» است. عده‌ای از مفسران آن را به رسول برگردانده‌اند، به این معنا که رسول می تواند تمام ادیان غالب شود. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۷۸/۵؛ حقی بروسوی، بیتا: ۵۶/۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۴/۴) و عده‌ای هم آن را به دین برگردانده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۷/۹) از بین این دو تفسیر تفسیر اول مناسبتر است زیرا؛ هم تناسب سیاقی (همان) و هم تناسب لفظی دارد.

پس این آیه بیانگر غلبه دین اسلام بر سایر ادیان با دو ابزار «هدی» و «دین حق» است، بنابراین دین اسلام از آنجا که حق است و حق هم به معنای ضد باطل است (فراهیدی،۱۴۱۰: ۶/۳) از احکام برخوردار است و به همین دلیل، ثابت است و این ویژگی که خدای سبحان برای دین در نظر گرفته است با ابزار برهان و حجت وقتی همراه شود، می‌تواند بر سایر ادیان غلبه یابد، از این رو نباید توهم شود، غلبه دین اسلام را با قهر و زور است.

نتیجه این غلبه این است بسیاری از مردم جهان از سایر ادیان دست بر می‌دارند و مسلمان می‌شوند، با نگاه اجمالی به ادیان موجود در جهان این نکته بدست می‌آید این پیروزی موعد هنوز حاصل نشده است. زیرا دین غالب در جهان مسیحیت است و در بعضی از بلاد هم پیروان دین اسلام در اقلیت هستند. حال این سوال پیش می‌آید تحقق این امر چه زمانی است؟ برای دانستن این مطلب و نیز اثبات مطلب پیشین باید به سراغ روایات رفت:

از علی‌بن‌ابراهیم نقل شده: «**هُو الذِی أَرْسَل رَسُولهُ بِالهُدَی و دِینِ الحَقّ لِیظْهِرَهُ عَلی الدّینِ کُلِه**»؛ منظور از آن، امامی است که خداوند او را بر همه‌ی ادیان چیره می‌سازد و او زمین را پس از آنکه مملوء از جور و ظلم بود، سرشار از عدل و داد می‌نماید.»(قمی،۱۳۶۷: ۳۱۷/۲) سعید بن جبیرهم در تفسیر «**لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّه**» گفته است: «هو المهدی من عترة فاطمة» (اربلی، ۱۳۸۱: ۴۸۹/۲)

به نقل ابو بصیر، امام صادق (علیه السلام)، درباره آیه‌ی «**هُوَ الّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ**» فرمودند: به خدا سوگند هنوز تأویل آن به وقوع نپیوسته‌است و به وقوع نخواهد پیوست تا آن که قائم خروج کند و چون قائم خروج کند هیچ کافر به خدای بزرگ و مشرکی باقی نخواهد ماند، تا آنجا که کافر یا مشرکی اگر در دل صخره‌ای باشد، صخره می‌گوید: ای مؤمن کافری در دل من است مرا بشکن و او را بکش. (عروسی حویزی، ۱۴۱۶: ۳۶۶/۵)

در نقل دیگری هم از امام صادق (علیه السلام) آمده است آن زمانی است که تمام مردم اقرار به محمد (صلی الله علیه وآله کنند. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۸۷/۲(از امیر المؤمنین (علیه السلام (هم نقل شده است: حضرت وقتی این آیه را خواندند: «**هُوَ الّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ**

بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّه» از کسانی که در کنارشان بودند سوال کردند: «اظهر بعد ذالک» آیا خدا را ظاهر کرد؟ گفتند: نعم، حضرت فرمودند: «کلا» هرگز، «**فو الّذی نفسی بیده حتی لا یبقی قریهٔ إلّا و تنادی بشهادهٔ أن لا إله إلا اللّه و محمّد رسول اللّه صلیّ اللّه علیه و آله و سلم بکرهً و عشیّاً**» وقت ظهور این کلام زمانی است که هیچ روستایی باقی نمی‌ماند الا اینکه در آن روستا شهادت ان لا اله الا الله در صبح و شب بلند است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۳۹/۲)

به تصریح روایات، بخصوص روایات نقل شده از امام صادق (علیه السلام) تاویل این آیه که همان تحقق مصداق عینی و خارجی آن است هنوز اتفاق نیافتاده و ظرف زمان تحقق آن درزمان ظهور حضرت حجت (علیه السلام) است. زیرا جهان به حق آفریده شده است و باید به حق هم ختم شود و روزی می‌رسد که بشر عاقل می‌شود و چون عاقل شد استحقاق حکومت الهی را خواهد داشت، چرا که به برکت وجود حضرت حجت که معصوم فرمودند: «**إِذَا قَامَ قَائِمُنَا ع وَضَعَ یَدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ کَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامُهُم**» (صدوق، ۶۷۵/۱۳۵۹:۲) عقل مردم بالا می‌رود، وقتی عقل مردم بالا رفت جز حق و پیغمبر و اهلبیت چیزی را نمی‌پذیرد، آن روز، روز «لیظهره علی الدین کله» است. http://javadi.esra.ir تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۱

آیه «**هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّه**» زمانبندی نشده-است؛ این، جهت را نشان می‌دهد، یعنی بشریت به وسیله‌ی این حادثه، باید به سمت آزادی معنوی، اجتماعی، حقیقی و عقلانی حرکت کند، این کار از زمان رسول خدا شروع شده و ادامه‌اش دست خود ما انسانها است و یک سنت در عالم آفرینش است. (http://www.leader.ir بیانات رهبری در جمع مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۱/۳/۹)

بنابراین رسیدن به جامعه‌ی اسلامی کامل نیاز به کوشش، جهاد و مبارزه فرهنگی، سیاسی، نظامی و... دارد و همه آن‌ها باید از سوی باورداران به منجی موعود و زمینه‌سازان انقلاب جهانی صورت گیرد امام خیمنی در این زمینه می‌فرمایند: «اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود، یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر، چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد و آن روزی که مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوشش‌ها و فدارکاری‌ها، ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند...» (موسوی خیمنی، ۱۳۸۹: ۲۱/ ۴۴۷) خدای سبحان می‌خواهد دین را بر تمام ادیان غلبه دهد و این امر نیاز به زمینه‌سازی دارد زیرا او نمی‌خواهد همه‌ی کارها را با قدرت خارق العاده پیش ببرد و قدرت اختیار را از انسان‌ها بگیرد چرا که این مطلب با اصلی ارادی بودن هدایت منافات دارد.

با توجه به این مطلب، این سوال پیش می‌آید چگونه می‌توان در جهت تحقق دین کامل قدم برداشت و زمینه را برای ظهورحضرت آماده‌کرد؟ با توجه و دقت در آیات نازل شده می‌توان پی برد که خدای سبحان، در آیه ۲۹ سوره فتح که به دنبال آیه اظهار دین است خود شیوه زمینه‌سازی برای تحقق دین کامل را بیان کرده‌است. چرا که بلا فاصله بعد از وعده تحقق دین کامل به دست حضرت رسول به ویژگی‌های ایشان و یاران همراه او اشاره‌می‌کند؛ همان ویژگی‌هایی که سبب تحول در عصر پیامبر شد و می‌تواند تحول‌ساز عصر ظهور باشند. با توجه به آنچه گفته شد آیه ۲۸ سوره فتح نوید تحقق دین کامل را می‌دهد که زمان آن بر اساس روایات در عصر ظهور است و آیه ۲۹ شرایط لازم را برای تحقق این وعده بیان می‌کند.

٤-تشکیل حکومت دینی اولین قدم در مسیر زمینه سازی ظهور

همانطور که گفته شد، آیه ۲۸ سوره مبارکه فتح خبر از پیروزی اسلام می‌دهد و آیه ۲۹ سوره فتح ویژگی هایی را برای امت اسلام بیان می‌کند، که با الهام گیری از آنها می‌توان در جهت زمین سازی ظهور، بهره گرفت. با دقت در این ویژگی ها معلوم می‌شود اولین اقدام در این مسیر تشکیل حکومت دینی است، زیرا مصداق حقیقی این ویژگی‌ها زمانی بروزمی‌کند که یک جامعه دینی تحت لوای یک رهبر شکل بگیرد. زیرا آیه می-فرماید: «**مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّه وَ الّذینَ مَعَه**» ازاین همراهی با رسول شاید بتوان این نکته را بدست آورد که منظور جامعه اسلامی است نه پیامبر و نه مسلمانان به تنهایی، چرا که منظور از معیت در این آیه، معیت رسالتی است. (صادقی تهرانی،۱:۵۱۵/۱۴۱۹) علاوه برآن زمانی می‌توان در جهت زمینه سازی ظهور قدم برداشت که زمینه برای اجرای احکام و قوانین اسلام مهیاباشد.

برای این مطلب ادله عقلی و نقلی زیادی وجود دارد. ازجمله اینکه در اسلام، احکامی وجود دارد که اجرای آن فقط از طریق حکومت ممکن است. مثل اجرای حدود، احکام مالی، نظامی، قضایی، برپایی عدالت، پس بنا به حکم عقل، تشکیل حکومت برای تحقق همه جانبه اسلام امری ضروری است. (مصباح یزدی،۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۲۴) و انکار ضروت تشکیل حکومت اسلامی مساوی با انکار جامعیت و جاودانگی دین اسلام است. (موسوی خیمنی، ۱۳۶۳: ۴۶۱)

زیرا اولاً اسلام دینی جامع است و احکام آن حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را شامل می‌شود ثانیاً اجرای قوانین سیاسی و اجتماعی اسلام بدون سازمان حکومتی و نهادهای دینی امکان‌پذیر نیست. بنابراین حکومت دینی مقدمه و شرط لازم برای اجرای

احکام الهی است. ثالثاً مقدمه واجب، واجب است و چون اجرای احکام سیاسی و اجتماعی بدون تشکیل حکومت صالح دینی امکان پذیر نیست. در نتیجه تشکیل حکومت دینی و صیانت ازآن در هر عصری واجب است. (شاکرین، ۱۳۸۶: ۱۸)

در قرآن کریم هم در وصف مؤمنین آمده است: «**الَّذینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلّهِ عاقِبَةُ الْأُمُور**» (حج/۴۱) مفسران در معنای تمکین در این آیه گفته‌اند: مراد از تمکین آنان در زمین» این است که ایشان را در زمین نیرومند کند، به طوری که هر کاری را که بخواهند بتوانند انجام دهند و هیچ مانعی یا مزاحمی نتواند سد راه آنان شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۶/۱۴) وقتی در این آیه تمکین به معنای قدرت حاکمیت باشد و بعد که به دنبال آن می‌فرماید، بعد از تمکین آنان اقامه نماز می‌کنند، زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، معلوم می‌شود اجرای بعضی از احکام الهی منوط به تشکیل حکومت است.

در روایات هم به این نکته تاکید شده است امام رضا (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند: «**لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرَقِ وَ لَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ بَقُوا وَ عَاشُوا إِلَّا بِقَیِّمٍ وَ رَئِیسٍ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِی أَمْرِ الدِّینِ وَ الدُّنْیَا فَلَمْ یَجُزْ فِی حِکْمَةِ الْحَکِیمِ أَنْ یَتْرُکَ الْخَلْقَ مِمَّا یَعْلَمُ أَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ وَ لَا قِوَامَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ فَیُقَاتِلُونَ بِهِ عَدُوَّهُمْ وَ یَقْسِمُونَ بِهِ فَیْئَهُمْ وَ یُقِیمُونَ بِهِ جُمُعَتَهُمْ وَ جَمَاعَتَهُمْ وَ یَمْنَعُ ظَالِمَهُمْ مِنْ مَظْلُومِهِم**» (صدوق، بی تا: ۲۵۳/۱) ما هیچ ملتی یا گروهی را نمی بینیم جز اینکه به وجود یک سرپرست به حیات خود ادامه داده و باقی مانده باشد، زیرا را برای امر دین و دنیا ناگزیر باید چنین شخصی باشد، بنابراین از حکمت خدای حکیم به دور است که مخلوقات خود را بی سرپرست بگذارد. با اینکه می‌داند وجود چنین شخصی برای آنان ضروری است و بدون آن زندگی‌شان تباه می‌شود، زیرا با

رهبری او با دشمنان می‌جنگند و اموال عمومی را عادلانه تقسیم می‌کنند و به وسیله او نماز جماعت و جمعه بر پا می‌شود و دست ستمگران را از حریم و حقوق مظلومان کوتاه می‌کند. این روایت به خوبی بیانگر لزوم تشکیل حکومت برای اجرای احکام اسلام است.

بنابراین برای زمینه سازی حکومت مهدی (علیه السلام) در مرحله اول باید زمینه‌ای را فراهم ساخت تا اجرای احکام و قوانین اسلامی به راحتی امکان‌پذیر باشد و این امر فقط در صورت تشکیل حکومت دینی میسر می‌شود. در ایران به لطف و عنایت الهی حکومت دینی تحقق‌یافته است و باید بقیه امور پی ریزی شود. رهبر معظم انقلاب دراین زمینه می‌فرمایند: ما وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. که به‌وسیله‌ی ملت ایران اولین قدم برداشته شده است. (بیانات در دیدار مردم قم Farsi.khamenei.ir۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

امام خمینی هم خطاب به تمام مسلمانان می‌فرمایند: «شما ای مستضعفان جهان وای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان! به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمّال سر سپرده آنان نترسید و حکّام جنایتکار را ـ که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند ـ از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمت‌گزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش بروید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت

ارض خواهید رساند، به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است» (موسوی خمینی،۱۳۸۹: ۲۱/ ۴۴۸)

رهبر انقلاب هم با تعابیری شبیه به همین مضمون بر این امر تاکید می‌کنند: امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.

(بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۱/۱۰/۱۹Farsi.khamenei.ir)

بنابراین با دقت در آیات قرآن و روایات و نیز سخن بزرگان، ضرورت تشکیل حکومت دینی برای زمینه سازی ظهور مشخص می‌شود. چرا که فقط در پرتو تشکیل حکومت دینی است که می‌توان با اجرای قوانین اسلام در مسیر ظهور قدم برداشت و یارانی را برای یاری حضرت تربیت کرد.

۵- ویژگی امت زمینه ساز ظهور

بر اساس آموزهای دین اسلام هر امتی نمی‌تواند زمینه ساز ظهور حضرت مهدی باشد و در مسیر تحقق اظهار دین قدم بردارد زیرا؛ مأموریت به این مهمی که هدف از رسالت حضرت ختمی مرتبت را مشخص می‌کند، نیازمند نیروهای انسانی زبده‌ای است که دوشادوش آخرین حجت خدا یاری رسان وی باشند. در آیات پایانی سوره فتح خدای سبحان بعد از اعلام هدف رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) ویژگی‌های او و یارانش را بیان می‌کند، که این آیات از باب جری و تطبیق قابل انطباق

در هر عصر و زمانی هستند، از این جهت می‌توان ویژگی‌های یاران زمینه ساز تحقق هدف رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) از آیه پایانی سوره فتح بدست آورد. خدای سبحان می‌فرماید:

«**مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ تَراهُمْ رُکَّعاً سُجَّداً یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللّهِ وَ رِضْواناً سیماهُمْ فی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُود**»؛ محمّد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفّار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است»

قرآن، جبهه‌گیری مقتدرانه در برابر دشمنان، عطوفت و مهربانی در میانه‌ی مؤمنان وعبودیت وخشوع دربرابرخداوند را سه نشانه‌ی جامعه‌ی اسلامی دانسته است و این، سه رکن اصلی برای برافراشتن پیکره ی عزتمند و باشکوه امت اسلامی است (پیام به مناسبت کنگره عظیم حج http://www.leader.ir۱۳۸۶/۹/۲۴) در ادامه به توضیح این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۱ سخت گیری در برابر کافران

«أَشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ» است؛ «اشداء» جمع شدید و از ماده «شدد» به بمعنی محکم بستن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۴۷) و رجل شدید هم به معنای مرد شجاع و قوی است (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۴۱/۵) با توجه به این معنا، اشداء علی الکفار، یعنی نفوذ ناپذیر بودن در برابر کفار زیرا جسم هرچه سخت تر باشد وقتی با جسم دیگری اصطکاک پیدا کرد، در آن جسم اثر می گذارد ولی ازآن اثر نمی‌پذیرد و این غیر از دعوا گر بودن و پر خاشگر بودن است.

(بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶http://www.leader.ir)

پس «**أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ**» یعنی ایستادگی در برابر کفر با تمام توان بدون اینکه عواطف و احساسات سبب ملاطفت فرد شود.

امام علی (علیه السلام) در مورد این ویژگی یاران رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: «ما با پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بودیم و همانا جنگ و کشتار گرداگرد پدران، فرزندان، برادران و خویشاوندان ما دور می‌زد، امّا از وارد شدن هر مصیبت و شدّتی جز بر ایمان خود نمی‌افزودیم، و بیشتر در پیمودن راه حق و تسلیم بودن برابر اوامر الهی و شکیبایی بر درد جراحت‌های سوزان، مصمّم می‌شدیم.»(دشتی، ۱۳۷۹: ۲۳۵)

در واقع سخت گیری در برابر کفار، به معنای نفوذ ناپذیری در برابر کفّار است. به معنای ایستادگی در برابر استکبار و زورگویی‌های امریکا و سایر زورگویان عالم است که عدم توجه به آن سبب ذلت، فساد و عقب ماندگی خواهد شد. (بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۷/۲/۶http://www.leader.ir) به تعبیری دیگر، قرآن فرمود؛ سِتَبر باشید، غلیظ باشید، به گونه‌ای باشید که بیگانه شما را مثل یک کوه ببیند و در کلّ جهان، همه نسبت به شما احساس عظمت و جلال بکنند و هیچ کس به خودش اجازه نفوذ ندهد. نه اینکه حمله کنید و نسبت به دیگران خشن باشید! (۱۳۹۵/۳/۱۲http://javadi.isra.ir)

البته این نفوذ ناپذیری، محدود در مسائل نظامی و سیاسی نیست بلکه شامل ایستادگی دربرابرمکاتب و برهان‌های شبه افکن هم می‌شود. چرا که ورود به میدان مبارزه از راه نیرنگ و شبهه بدتر از جنگ است! (همان) در ذیل آیه «**خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ**» (بقره/۶۳)

روایت شده؛ به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کردند که «**أَ قُوَّةُ الْأَبْدَانِ أَوْ قُوَّةٌ فِی الْقَلْبِ**» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۸/۶۷) اسلحه زیاد یا فکر زیاد؟ فرمودند: «فِیهِمَا جَمِیعاً»؛ هر دو.

اما نکته مهمی که باید به آن توجه‌داشت این است که: با هر غیر معتقد به اسلام نباید سختگیر بود و شدّت گرفت. قرآن می‌گوید: «**لا ینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین**»؛ (ممتحنه/۸) کسانی که با شما سر ستیزه ندارند و علیه شما توطئه نمی‌کنند و کمر به نابودی نسل و ملت شما نبسته‌اند، ولو از دین دیگری باشند، با آنها نیکی‌کنید و رفتار خوب داشته‌باشید؛ و در جای دیگرمی‌فرماید: «انّما ینهاکم اللّه عن الّذین قاتلوکم فی الدّین و اخرجوکم من دیارکم». (ممتحنه/۹) پس باید با کسانی شدید بود که با هویت اسلام، ملیت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزّت، ناموس، سنّتها، فرهنگ و ارزشهای شما مبارزه‌می کنند.)http://www.leader.ir بیانات در دیدار جوانان سیستان و بلوچستان (۱۳۸۱/۱۲/۶)

۵-۲ رحمت نسبت به مؤمنین

صفت دیگری که برای امت اسلامی در این آیه ذکر شده، «**رُحَماءُ بَیْنَهُمْ**» است یعنی؛ مؤمنین نسبت به هم با کمال رأفت و مهربانی رفتار می‌کنند و در بینشان عطوفت، رحم و مهربانی حاکم است و با یکدیگر وفاق دارند، به فرموده رهبری وفاق‌داشتن به معنای خوشبینی نسبت به یکدیگر و تحمل یکدیگر است به گونه‌ای که در جهت ترسیم هدفهای والا و رسیدن به آنها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنّج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متّهم کردن می‌پرهیزند. (http://www.leader.ir بیانات در دیدار هیأت رئیسهو نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۱/۳/۷)

درواقع «رحماء بینهم» همان احساس مسئولیت تک تک افراد جامعه اسلامی در برابر یکدیگر چه در میدان جنگ نرم و چه در میدان جنگ سخت است. امیر المؤمنین (علیه السلام) در جنگ صفین خطاب به یارانشان فرمودند: «پس هر کدام از شما در صحنه نبرد با دشمن، در خود شجاعت و دلاوری احساس کرد و برادرش را سست و ترسو یافت، به شکرانه این برتری باید از او دفاع کند، آنگونه که از خود دفاع می‌کند، زیرا اگر خدا بخواهد او را چون شما دلاور و شجاع گرداند» (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۳۵)

بنابراین مسلمانان در برخورد درونی با هم باید با مخالفت، نه مخالف مبارزه کنند و سعی نمایند مخالفت، اختلاف و تنازع را از میان بردارند. نه اینکه با مخالف به ستیز بپردازند. (http://javadi.esra.ir۱۳۵۹/۳/۱۲) قرآن می‌فرماید: «**يَدْرَؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ**» (رعد/۲۲) نه «السیء»، در منطق اسلام بد را برداشتن هنر نیست، بدی را برداشتن هنر است.

باید توجه‌داشت که برای اجرایی کردن این دستور الهی نیاز به مصداق شناسی «رحماء بینهم و اشداءعلی الکفار» است. مقام معظم رهبری به کرات به مصادیق «اشداءعلی الکفار» اشاره‌کرده‌اند و ریشه کنی مخالفان اسلام در سرزمین های فلسطین، لبنان، عراق، پاکستان و افغانستان رااز مصادیق اشداء علی الکفار دانسته‌اند و بیان کرده‌اند اعمال تکفیری‌ها درست بر خلاف آیه «رحماء بینهم» است. چرا که قرآن می‌گوید، مسلمانان دست به دست هم دهند، اعتصام بحبل الله کنند. ولی تکفیری‌ها مسلمانان را به دو دسته تقسیم می‌کند و به جان هم می‌اندازد. (http://www.leader.ir بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۸/۱۰/۲۹)

بعد از مصداق شناسی باید به دنبال نقطه وصل بین این دو امر بود. یعنی باید چیزی باشد که این دو امر اتصال را ایجاد نماید. مقام معظم رهبری نقطه اتصال و تحقق این دو امر را ولایت می‌داند و بیان می‌کند: جامعه اسلامی که دارای ولایت است همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه یعنی ولی متصل است، لازمه‌ی چنین ارتباطی این است که جامعه اسلامی در درون خود متحد، مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون هم اجزای مساعد با خود را جذب می‌کند و اجزایی را که دشمن باید با آن باشد، به شدت دفع می‌کند و با آن معارضه می‌نماید. (http://www.leader.ir بیانات در دیدار جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب ۱۳۶۸/۹/۲۹)

۵-۳ عبودیت در برابر خدا

اسلام دینی همه بعدی است ازاین‌رو برای پیشرفت لازم است گرایش‌های درونی و عبادی را در کنار گرایش‌های اجتماعی داشته باشد. خدای سبحان در این آیه مسلمانان را با این دو گرایش معرفی می‌کند از یک سو آنان را «**أَشِدّاءُ عَلَى الْكُفّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ**» معرفی می‌کند و از سوی دیگر آنان را «**تَراهُمْ رُكّعاً سُجّداً**» معرفی می‌کند. کلمه «رکع» و همچنین کلمه «سجد» دلالت براین دارد که مؤمنین نماز می‌خوانند. و کلمه «تراهم» استمرار را می‌رساند وبیانگر این است که مسلمانان دائماً در نمازند. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۹۹/۱۸)

عبادت مسلمانان دو رکن اصلی دارد: کرنش در برابر خدا و نفی غرور و خود خواهی. مسلمانان در برابر خدا کرنش می‌کنند تا در برابر غیر او کرنش نکنند و منظور از «اثر سجود» بر چهره آنان یا اثر ظاهری سجده است یا مفهوم گسترده‌تری دارد. یعنی، آنان چهره‌ای الهی دارند که به خوبی نشان می‌دهد، که در برابر خدا، حق، قانون و عدالت

تسلیم هستند و این علامت در تمام وجود و زندگی آنان منعکس است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۵/۲۲)

عبودیت در جهت رشد جامعه بسیار مؤثر است زیرا؛ کمال کمالات است و همه‌ی کمالات انسانی در این جهت است که آدمی به عبودیت حق واصل شود و در مراتب آن بالا رود، عبودیت تسلیم حق بودن و گردن نهادن به خواست الهی است، هرچه انسان در مراتب عبودیت حق بالاتر رود، به حقیقت انسانی خود نزدیکتر می‌شود و اسماء و صفات حق را بیشتر در خود جلوه می‌دهد. هیچ کمالی مانند عبودیت آدمی را به مقامی که شایسته آن است نمی‌رساند؛ زیرا انسان به میزانی که عبد خدا شود، استعدادهاش در جهت کمال مطلق شکوفا می‌شود. آدمی با گام نهادن در مسیر عبودیت به مقام بندگی واصل می‌شود و در نسبت با سایر آدمیان، به هیچ روی گردن فرازی نمی‌کند، بلکه خود و دیگران را بندگان پروردگاری می‌داند که جز او خدایی نیست و چنین نگرشی زمینه ساز سلوک معنوی و روابط انسانی می‌شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۱۸۲)

بر اساس آنچه که گفته شد، یکی از راهبردهای مهم و اساسی برای غلبه و اعتلای اسلام، افزایش روح معنویت و عبودیت در جامعه دینی است. رشد معنوی اجتماع، خود زمینه جذب افکار و قلوب را فراهم‌می‌آورد. اگر منتظران ظهور با هدف ایجاد ارزشهای عالی ومعنوی فعالیت داشته باشند، می‌توانند افراد جامعه را به سوی گرایشهای عالی سوق دهند و بر عکس اگر هدفشان گرایش به سوی مادیات و ضد ارزش‌ها باشد، افراد به جای ترقی و تعالی، تنزل خواهند یافت.

در اوصاف یاران حضرت مهدی (علیه السلام هم آمده است: «**رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهَار**» (سید ابن طاووس، بی تا: ۱۴۲) آنان راهبان شب و شیران روز هستند. یکی از

راه‌های میان‌بر برای کسب مقام عبودیت خدای متعال نماز شب است، عبدالله‌بن‌سنان از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی تفسیر آیه «**سِیماهُمْ فِی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ** پرسید، فرمودند: «**هُوَ السَّهَرُ فِی الصَّلَاةِ**.» (عاملی، ۱۴۰۹: ۸/ ۱۵۲) منظور شب زنده‌داری در نماز است.

زمینه سازان ظهور حضرت باید بدانند گام نهادن در این مسیر که تداوم رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله است، نیازمند عزمی راسخ است و این عزم راسخ را می توان با کسب مقام عبودیت بدست‌آورد که راه میان‌برآن نماز شب است و توجه داشته باشند «**یا أَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ*قُمِ اللَّیْلَ إِلاّ قَلیلاً**» (مزمل/۱-۲) اگر چه خطاب امر، به پیامبر است اما از باب استحباب متوجه کسانی هم که می خواهند در عمل تأسی به حضرت داشته باشند، می‌شود.

۶- مراحل زمینه سازی و تربیت یاران

خدای سبحان بعد از وصف پیامبر و یارانش در این آیه، از زبان تورات، به بیان ویژگی های آنان از زبان انجیل می پردازد و می فرماید: «**کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرّاعَ لِیَغیظَ بِهِمُ الْکُفّارَ وَعَدَ اللّهُ الّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظیما**» آنان، همانند زراعتی هستند. که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نموّ و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد این برای آن است که کافران را به خشم آورد.

حقیقت این مثل آنگاه روشن‌می‌شود که دانسته‌شود اسلام در سرزمینی ظهورکرد که مردم آن از نظر انسانیت در مرحله سقوط و انحطاط بودنند و ارزشهای اسلامی در بین

آنان بسیار کمرنگ بود. ولی کم کم در اثر تربیت توحیدی و به رهبری حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) به جایی رسیدند که مایه شگفتی دیگران شدند. این مثال می-گوید، مسلمانان در ابتدا تعدادشان کم بود، سپس زیادشدند و قوی گردیدند مثل زرعی که فروخ و شاخه‌هایش از کناره هایش خارج می‌شود سپس محکم می‌شود و قوی می-شود و به او کمک داده‌می‌شود.

زرع قوی «شطأ» است. زیرا از او تغذیه می‌کند و به وسیله او حمایت می‌شود و از نازکی به کلفتی متحول می‌شود و استقامت پیدا می‌کند. امت اسلام هم در ابتدا همینطور بودند، کم و ضعیف، سپس با همراهی و ملازمت با اهل ایمان و علم قوی شدند. (زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۰۸/۲۶) این قسمت از آیه در حقیقت مراحل رشد جامعه اسلامی را با حرف «فاء» که حرف تفریع است، بیان می‌کند. که عبارتند از:

۶-۱ جوانه زدن (اخرج شطأ)

شطأ به معنی آن چیزی است که از اصل خود خارج می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۷۶//۶) و شطأ الزرع «یعنی فراخُه (جوهری، ۱۴۱۰: ۵۷/۱) فرخ هم در حیوان و هم در نبات بکار می‌رود و آن زرعی است که آماده شکافته شدن است و بر سنبل هم اطلاق می-شود. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۷۸/۲) براین اساس شطأ گیاه به آن جوانه‌هایی می‌گویند که از خود گیاه به وحود می‌آید و در اطراف آن می‌روید. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۵/۱)

این قسمت از آیه به استواری و ریشه‌دار بودن عقیده در دل و جان مؤمن که همواره در حال رشد و گسترش است، دلالت می‌کند و این مطلب را به تمام مسلمانان جهان و در تمام اعصار می‌فهماند که اولین مرحله رشد و پیشرفت هر جامعه استواری اندیشه و عقیده است. زیرا زیر بنای اعمال و اخلاق تمام انسان‌هاست.

علاوه بر آن بیان می‌کند، علت نفوذ ناپذیری یاران پیامبر داشتن یک پایگاه مستقل است. چرا که اگر کسی روی زمین باشد ولی پایگاه مستقل نداشته باشد، لرزان است و نمی تواند در برابر بیگانگان مقاومت کند. از این رو یاران پیامبر را به بذری تشبیه می-کند که داخل در زمینی کارشناسی شده، آبیاری شده، و کشاورزی شده سر بر آورد و این بذر ریشه پیدا کرد و سپس برای بالا رفتن قدرت مقاومت او، از پایین تا بالا جوانه-هایی از چهار طرف رویید تا او را تقویت کند، چرا که تک برگ توان مقاومت را ندارد. (http://javadi.esra.ir۱۳۹۵/۳/۱۲)

۶-۲ تقویت کردن یکدیگر (فَآزَرَهُ)

یک اصل مهم در تربیت و پرورش نیروهای انسانی، این است که باید متربی درمسیر تربیت، تقویت شود. این مطلب با عبارت (فَآزَرَهُ) بیان شده است. «ازر» به معنای معاونت و یاری (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۸۲/۷) و «تأزر النبت» به معنای محکم شد و قوی گردید، است. (ابن فارس،۱۴۰۴: ۱۰۲/۱). فَآزَرَهُ «بعد از» اخرج شطأ «به این معناست که این جوانه‌های که در اطراف ریشه روییده‌اند، از ریشه کمک می‌گیرند از راه هوایی که خودش استنشاق می‌کند به او عطا کند؛ این تعاطی متقابل و موازِرَت متقابل، هر کدام بار دیگری را به دوش می‌گیرند، این می‌شود یک درخت تنومندی که می‌تواند «**أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِی السَّماءِ**» (ابراهیم/۲۴) باشد و دیگر هیچ چیزی این را تکان نمی‌دهد، چون هم ریشه دارد و هم چهار طرفش جوانه زده و این جوانه حافظ آن است هم در پناه او رشد می‌کند و هم او را تقویت می‌کند، هر دو وزیر یکدیگر هستند یعنی به کمک هم می‌آیند.(http://javadi.esra.ir۱۲/۳/۱۳۹۵) نکته دیگر اینکه این جوانه ها بیرون از محدوده این بذر نباید رشد بکنند، بلکه از همین بذر و اطراف و جوانب بذر

باید رشد بکنند وگرنه این را تقویت نمی‌کنند و وزیر هم نیستند. این همان بحث استقلال در نظام اسلا می است. (همان)

۶-۳ قوی شدن «فَاسْتَغْلَظَ»

«اسْتَغْلَظَ» از ماده غلظت و به معنی سفت شدن و محکم شدن است، یعنی جامعه اسلامی باید تلاش کند تا در همه زمینه ها خود را قوی سازد یکی از جلوه‌های قوی شدن اقتصاد مقاومتی و تولید مواد مورد نیاز در داخل کشور است. (همان) و از جنبه-های دیگرآن قوی شدن در مسائل نظامی، سیاسی، فرهنگی و علمی است اگر جامعه ای به این حد رسید می تواند در برابر دشمنان خود بایستد و با آنان در جهت اعتلای اسلام مبارزه کند. و به فرموده مقام معظم رهبری راه دست یابی به اقتدار در گرو سه چیز است: «اقتصاد قوی و مقاوم»، «علم پیشرفته و روز افزون» و «حفظ روحیه انقلابی‌گری بخصوص در جوانان». (http://www.leader.ir بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸)

۶-٤ بر روی پای خود ایستادن «فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ»

وقتی جامعه‌ای سه مرحله قبلی را پشت سر گذاشت، یعنی با رویش جوانه‌ها از اطراف ریشه سبب استحکام ریشه شد و ریشه و ساقه‌ها به هم کمک کردند تا تقویت شوند در این صورت قوی می گردند و به جایی می رسند که می توانند روی پای خودشان بایستند و در این جا می‌توان گفت مراحل رشد آنان به پایان رسیده است. بنابراین تشبیه جامعه اسلامی به مزرعه کشاورزی، قابل تأمل است و مراحل رشد جامعه را به خوبی بیان می-کند. زیرا:

۱. کشت، از درون زمین است، عقیده نیز از درون انسان است.

۲. کشت، در محیط مناسب رشد می‌کند، جامعه اسلامی هم نیاز به زمینه‌های مناسب دارد.

۳. کشت، دارای رشد طبیعی، تدریجی، اصیل و ثابت است، رشد امت اسلامی نیز مراحل، ثبوت و اصالت دارد.

نتیجه

۱–سوره‌ی فتح جز آخرین سوره‌های نازل شده است و در آن خبراز غلبه دین اسلام بر سایر ادیان می‌دهد. از ظاهر آیه ۲۸، روایت نازل شده و شواهد تاریخی به دست می‌آید که این وعده هنوز تحقق پیدا نکرده است. این وعده در زمانی داده می‌شود که مسلمانان دارای اقتدار و قدرت باشند ولی زمان قطعی آن را مشخص نکرده است تا مسلمانان را متوجه مسئولیت خود سازد.

۲–با توجه به روایات، زمان تحقق این وعده در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است و ایشان با کمک یاران خود این امر مهم را محقق می‌سازند. پس از مهمترین وظایف مسلمانان در عصر غیبت این است که در جهت همراهی و یاری به حضرت در جهت انجام مأوریتشان خود را آماده سازند، اما اینکه این آمادگی چگونه باید محقق شود مطلبی است که در آیه ۲۹ به آن اشاره شده است.

۳–آیه ۲۹ به صفاتی از پیامبر و همراهان ایشان اشاره می‌کند که سه رکن اصلی یک جامعه اسلامی است؛ سخت‌گیری نسبت به دشمنان، ملاطفت با مؤمنان و عبودیت خدا. اگر چه اینها صفات پیامبر و یاران ایشان هستند ولی از باب جری و تطبیق قابل انطباق بر عصر حاضر هستند. پس جامعه یاری رسان حضرت مهدی علیه السلام هم باید این ویژگی‌ها را داشته باشند.

۴–با توجه به اینکه خدا این صفات را به پیامبر و یاران ایشان اختصاص داده نه به یکی بدون دیگری، معلوم می‌شود که اولین وظیفه منتظران تخلق با این صفات است که محور اصلی آن ولایت است واین خود ضرورت تشکیل حکومت را در جهت هموار سازی این مسیر نشان می‌دهد. زیرا لازمه تحقق دین کامل در جهان اجرای احکام الهی است که جز از مسیر تشکیل حکومت میسر نمی‌شود.

۵–منظور از سخت گیری در برابر کفار، نفوذ ناپذیری در تمام عرصه‌ها بخصوص عرصه فرهنگ و جنگ نرم است، البته در برابر کفار معاندی که قصد مقابله با اسلام و ضربه زدن به هویت، استقلال و آزادی جامعه اسلامی دارند، نه خشن بودن و جنگیدن به این صورت که مسلمانان باید در تمام ابعاد آنچنان قوی و نفوذ ناپذیر باشند که در اثر جلال و قدرت آنان کسی قصد تجاوز به آنان را نداشته باشد.

۶ –منظور از رحماء بینهم، احساس مسئولیت مسلیمن در برابر یکدیگر است به این معنا که مسلمانان باید تمام همت خود را به کار گیرند که اختلاف وتنازع و زمینه‌های آن را از جامعه ریشه کن کنند نه اینکه با مخالف به مبارزه برخیزند. در این راستا لازم است همکار و پشتیبان هم در رفع نواقص و تقویت کمالات باشند.

۷–ویژگی عبودیت مسلمانان هم استعداد آنان را در جهت ارتباط صحیح با خدا و بندگان خدا شکوفا می‌سازد و سبب می‌گردد تا با تسلیم محض در برابر خدا، فقط به فکر خود نباشند و منافع دیگران راهم در نظر بگیرند.

۸–هر جامعه‌ای برای رشد و شکوفایی نیاز به طی چهار مرحله دار بذر افشانی، تقویت قوا با کمک کردن به رهبر و کمک گرفتن از او، قوی شدن و روی پای خود ایستادن. بنابراین انقلاب اسلامی ایران در زمینه سازی ظهور با الهام گیری از این آیه، باید این چهار مرحله را پشت سر بگذارد و توجه داشته باشد در مرحله بذر افشانی باید بذر

اعتقاد افشانده شود و سپس به کمک ولایت و تقویت ولایت گام در مسیر قوی شدن بگذارد و پس از قوی شدن در تمام زمینه‌ها استقلال کامل داشته باشد تا اثرگذار باشد نه اثر پذیر.

پیشنهادات علمی

آنچه در این تحقیق به نگارش در آمد کلیاتی بود از سیر مراحل آماده سازی ظهور و ویژگی‌های یاران زمینه ساز ولی این بحث دارای زوایای ناگفته بسیاری است که نیاز به پژوهش دارد از جمله:

۱–مصداق شناسی «رحماءبینهم و اشداءالکفار» دربیانات رهبری

۲– راهکارهای دست یابی به اقتدار جامعه اسلامی در بیانات رهبری

۳–تبیین رابطه متقابل مردم و دولت در راستای تقویت جامعه اسلامی

۴–راهکارهای تقویت اعتقاد دربیانات رهبری در راستای زمینه سازی ظهور

۵–نقش وزیران در تحقق سه مرحله جامعه سازی اسلامی در آیه ۲۹ فتح

۶–مدل قرآن بنیان آینده پژوهی مهدویت بر اساس دو آیه پایانی سوره فتح

پیشنهادات عملی: عملی شدن مراحل ذکر شده در آیه نیاز به همت همه جانبه تمام ارگانهای کشور دارد. بذر افشانی اعتقادی در جامعه باید در سنین کودکی از خانه، مهد کودک و مدرسه شروع شود. و در این راستا والدین، معلمان و مربیان نقش بسزایی دارند. پخش برنامهای مختلف سیما باید در جهت تحقق این اهداف باشد.

با توجه به اینکه امروزه فضای مجازی بستر مهمی برای تبلیغ دین اسلام است و کمتر افراد جامعه به سمت کتاب و مقاله می روند لازم است معارف و گوناگون و بیانات مقام معظم رهبری در قالب عکس نوشته، کلیپ های کوتاه و موشن گرافی در فضای مجازی منتشر شود تا مردم با اندیشه های معظم له آشنا گردند.

منابع

*قران ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۴۱۵ ق) تهران: انتشارات دار القران الکریم

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹ ش) قم: انتشارات مشهور.

منابع فارسی:

۱) انوری، حسن، (۱۳۸۱ ش) فرهنگ *بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.

۲) آیتی، نصرت الله، (۱۳۹۰) *مقاله زمینه سازی ظهور، چیستی و چگونگی*، فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود سال پنجم شماره ۱۹

۳) بانوی اصفهانی سیده نصرت امین، (۱۳۶۱ ش)، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: ناشر نهضت زنان مسلمان.

۴) بهداروند، محمد مهدی، (۱۳۷۷ ش) مقاله *انقلاب ساختار ساز*، دوهفته نامه پگاه حوزه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۵) جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۷۷ ش) اندیشه *سیاسی شهید رابع سید محمد باقر صدر*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۶) دشتی، محمد (۱۳۷۹ ش) *ترجمه نهج البلاغهٔ* ، قم: مشهور.

۷) دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۹۰)، *کمالات انسانی در نهج البلاغه*، تهران: انتشارت دریا.

۸) سلیمیان، خدامراد، (۱۳۸۳) فرهنگ *نامه مهدویت*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

۹) شاکرین، حمید رضا، (۱۳۸۶) *پرش‌ها و پاسخ‌های دانشجوی، جلد ۸*، چاپ پنجم، قم: دفتر نشر معارف.

۱۰) مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۹) *نظریه ولایت فقیه*، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
۱۱) مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹) آینده *انقاب اسلامی ایران*، تهران: انتشارات صدرا
۱۲) موسوی خیمنی، روح الله، (۱۳۸۹) صحیفه *امام*، *جلد ۲۲*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.

منابع عربی:

۱) آلوسی سید محمود، (۱۴۱۵ ق) روح *المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲) ابن منظور، (۱۴۱۴ ق) لسان *العرب*، بیروت: انتشارات دار صادر.
۳) ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۰۴ ه ق) *معجم مقائیس اللغة*، محقق/ مصحح: عبد السلام محمد هارون قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۴) إربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ هجری قمری) *کشف الغمة*، تبریز: مکتبة بنی هاشمی
۵) اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲ ه ق) مفردات *ألفاظ القرآن*، لبنان: دار العلم.
۶) بحرانی سید هاشم (۱۴۱۶ ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
۷) جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ ه ق) / *لصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دار العلم للملایین.
۸) حقی بروسوی اسماعیل، (بی تا) تفسیر *روح البیان*، بیروت: دارالفکر.

۹) زحیلی وهبهٔ بن مصطفی (۱۴۱۸ ق) *التفسیر المنیر فی العقیدهٔ و الشریعهٔ و المنهج*، دمشق: دار الفکر المعاصر.
۱۰) زمخشری، محمود، (۱۴۰۷) الکشاف *عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتاب العربی.
۱۱) سید ابن طاوس، (بی تا)، *الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر (عج)*، بی جا: شریف رضی.
۱۲) صادقی تهرانی، (۱۴۱۹ ق)، *البلاغ فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات مؤلف.
۱۳) صدر، محمدصادق، (بی تا) تاریخ *غیبهٔ الصغری*، بی جا: انتشارات دار التعارف.
۱۴) صدوق، ابن بابویه (۱۳۹۵ ق)، *کمال الدین و تمام النعمهٔ*، تهران: اسلامیه.
۱۵) صدوق، ابن بابویه (بی تا) علل *الشرائع*، قم: داوری.
۱۶) طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق) المیزان *فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷) طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۸) طریحی فخر الدین (۱۳۷۵ ش) مجمع *البحرین*، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۹) عاملی، حرّ، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ه ق) وسائل *الشیعهٔ*، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۰) عیاشی محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق) *کتاب التفسیر*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
۲۱) فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ه ق) کتاب *العین*، قم: انتشارات دارالهجرهٔ.

۲۲) فیض کاشانی ملا محسن، (۱۴۱۵ ق) *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی تهران: انتشارات الصدر.
۲۳) قمی علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ ش) تفسیر *قمی*، قم: دار الکتاب.
۲۴) مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ هجری قمری)، *بحار الأنوار*، لبنان: مؤسسة الوفاء بیروت.
۲۵) مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲) التحقیق فی کلمات القران، تهران: مرکز الکتاب للترجمة والنشر.
۲۶) مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۷۴ ش) *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۷) موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۶۳) *البیع*، قم: نشر اسماعیلیان.
۲۸) واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴ ه ق) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکرللطباعةوالنشروالتوزیع.

سایت‌ها:

http://javadi.esra.ir.
http://www.leader.ir
http:// Farsi.khamenei.ir